

۸ دلیل علمی برای اثبات لرزش طبیعی زمین

لرزه اصفهان زلزله بود یا

انفجار هسته‌ای؟

صفحه ۶



جزئیات طرح «مقابله با نفوذ سرویس های اطلاعاتی» بررسی شد

در مسیر

قانون شدن

صفحه ۶

آمریکا باید نگاه بسیار دقیقی به خود داشته باشد. ایالات متحده به نام روند صلح با هدف راه حل دو کشوری، باعث تداوم و تشدید وضع موجود شد. از فلسطینی‌ها خواست تا روند را مختل نکنند، به دیوان بین المللی دادگستری مراجعه نکنند، نافرمانی مدنی نکنند، خواستار تحریم اسرائیل نشوند و کاری نکنند که روند صلح بهم بخورد چراکه هرگز به راه حل دو کشوری دست پیدا نخواهند کرد.

به گزارش خبرنگاران، «ایشان تارور» (روزنامه‌نگار واشنگتن پست و فرزند شاشی تارور، دیپلمات برجسته هندی) در مصاحبه‌ای را «رابرت مالی» به بهانه انتشار کتاب جدیدش، از تکرار تاریخ در زمانی می‌پرسد که ترامپ در آستانه دومین سال ۷ اکتبر، طرح نیم‌بندی را مطرح کرده تا بهانه‌ای برای مرور آینده تاریک خاورمیانه را با هم مرور می‌کنند.

رابرت مالی، دیپلمات کلیدی دولت کلینتون درباره پایان جنگ غزه و فروپاشی راه حل دو کشوری صحبت می‌کند. ایشان تارور مقاله را این چنین شروع می‌کند: در حالی به دومین سالگرد واقعه ۷ اکتبر نزدیک می‌شویم که با حمله حماس به جنوب سرزمین‌های اشغالی ۱۲۰۰ نفر کشته شده و صدها نفر به گروگان گرفته شدند. عملیات نظامی اسرائیلی ها، متعاقب آن، بخش بزرگی از نوار غزه را با خاک یکسان کرد و دهها هزار فلسطینی را کشت و باعث بروز فاجعه گسترده انسانی شد.

اما ترامپ همین دوشنبه هم زمان با دیدار نتانیاهو از کاخ سفید، از توافق صلح احتمالی سخن گفت. اگرچه شروط توافق همچنان مورد بحث است، اما حماس هنوز آن را نپذیرفته و نتانیاهو، که متحدان راست افراطی او به دنبال فتح غزه و پاکسازی قومی هستند، سعی در تغییر برخی از شرایط اعلام شده دارند.

از سوی دیگر فراتر از یک توافق احتمالی، چشم‌انداز تشکیل یک نهاد موقت به رهبری ترامپ برای نظارت بر بازسازی غزه هم دور از ذهن نیست. «آنچه امروز اتفاق می‌افتد گسستگی از تاریخ نخواهد بود و بخشی از تاریخ خاورمیانه است که تکرار شده است.»

این جمله بخشی از نظرات دیپلمات کهنه‌کار آمریکایی، رابرت مالی است که نمونه‌هایی از فجایع کنونی را در تاریخ شکست‌های مذاکرات صلح یافته‌است.

«رابرت مالی» و «حسین آقا» در کتاب جدید خود با نام «فردا دیروز است: زندگی، مرگ و پیگیری صلح در اسرائیل/

سومین نمایشگاه گروهی خط و تجربه‌های ساختار شکنانه بر گزار شد

«تخطی از تصویر» با

گروه جان

صفحه ۶

شنبه ۱۲ مهر ۱۴۰۴
۱۱ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷
۴ اکتبر ۲۰۲۵
سال بیست‌ونیم
شماره ۶۰۱۵
۱۲ صفحه
۱۰۰۰۰ تومان

اثر معکوس

روزنه‌ای که با اسنپ بک بسته شد

اثر معکوس ماشه؟

گروه بین‌الملل – طی آخر هفته، بریتانیا، فرانسه و آلمان، گروهی که به نام تروئیکای اروپا شناخته می‌شوند، «اسنپ‌بک» تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران را فعال کردند. این اقدام که به‌عنوان دفاع از نظم عدم اشاعه هسته‌ای معرفی شده، در واقع آن را تضعیف می‌کند.

طی هفته جاری، بریتانیا، فرانسه و آلمان، گروهی که به نام تروئیکای اروپا شناخته می‌شوند، «اسنپ‌بک» تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران را فعال کردند.

در بولتن دانشمندان اتمی، این اقدام که به‌عنوان دفاع از نظم عدم اشاعه هسته‌ای معرفی شده، در واقع آن را تضعیف می‌کند. این حرکت تأثیر چندانی بر محاسبات تهران نخواهد گذاشت، اما به فروپاشی همان رژیم عدم اشاعه و نظام مبتنی بر قواعدی شتاب می‌بخشد که ایالات متحده و متحدانش پس از جنگ جهانی دوم بنا کردند. متحدان ایالات متحده نگرانند که رویکرد ترامپ در قبال وهران خطرناک است و منطقه را به خرّخه جدیدی از درگیری سوق می‌دهد.

اثر فوری اسنپ‌بک، کاهش امکان موفقیت دیپلماسی و دامن‌زدن به تنش است. پیامدها هم‌اکنون آشکار شده‌اند. ابزار اسنپ‌بک در توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ (برجام) به‌عنوان یک مصالحه گنجانده شد تا تردیده‌ای کنگره و دیگران را برطرف کند. این مکانیزم در قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل ثبت شد و به هر یک از طرفین اجازه می‌داد بدون امکان و تو، تحریم‌های پیش از ۲۰۱۵ را بازگرداند. به بیان دیگر، منطق معمول شورا وارونه شد. به جای اینکه برای مجازات اجماع لازم باشد، اسنپ‌بک تضمین می‌کرد که مجازات اعمال شود مگر آنکه اجماع کامل برای جلوگیری از آن شکل گیرد.

اکنون با اجرای دوباره تحریم‌های سازمان ملل، مسیر دیپلماسی سخت‌تر شده است. به دلیل برداشت اسرائیل از موفقیت حملات مشترک آمریکا و اسرائیل علیه تأسیسات هسته‌ای ایران، دولت افراطی اسرائیل جسور تر شده و چشم‌انداز جنگی دیگر با ایران پررنگ‌تر شده است.

شرح در صفحه ۱



سفره خانوار گران‌تر شد

پرواز

دوباره مرغ!

صفحه ۸

رابرت مالی از بیم و امیدها در مورد غزه می‌گوید

آمریکا با سیاست‌های خود عامل تشدید و تداوم وضع موجود است

فلسطین»، نشان می‌دهند که چگونه فاجعه کنونی، پیشنهادها و نمونه‌های بی‌شماری از گذشته دارد. این دو مذاکره‌کننده در سال‌های پرشور روند صلح اسرائیل و فلسطین – حسین آقا به عنوان مشاور فلسطینیان و مالی به عنوان یک دیپلمات کلیدی در دولت کلینتون – جایگاه برجسته‌ای در میز مذاکره داشتند و روایتی روشن از چگونگی شکست روند صلح اسلو، از توهمات و انکارهایی که منجر به فروپاشی یک‌راه حل واقعی دو کشوری شد، و همچنین در مورد احساسات و وقایع عمیقی که این

درگیری را غیرقابل حل جلوه می‌دهد، ارائه می‌دهند. «ایشان تارور» در مراسمی برای معرفی کتاب، در واشنگتن (نزد رابرت مالی رفت و آنچه در زیر می‌آید گزیده‌هایی از گفت و گوی طولانی این دو است:

* آیا ۷ اکتبر انگیزه نگارش این کتاب بوده است؟ به طور متناقضی هم بله و هم خیر. در هر دو طرف، حس یک جنگ ناپخته، بی‌رحمانه، فرقه‌ای و «ماهیتی» وجود دارد که یادآور گذشته است. اینطور هم نیست که نتانیاهو و ولنتش از مریح فرود آمده باشند و هیچ ارتباطی با اسرائیل نداشته باشند. اما اینکه حماس و اسلام‌گرایان، نیروهای مسیحایی باشند که از سیاره دیگری فرود آمده‌اند.

آنچه گفتم، یک واقعیت تاریخی تلخ است که بین هر دو وجود دارد و به همین دلیل بود که ما این کتاب را نوشتم. لازم نیست خیلی به عقب در تاریخ فلسطین برگردید تا ببینید حماس، فتح و دیگر جنبش‌ها، حتی جنبش‌های غیراسلامی، اتوپوس‌ها را می‌ریانید، غیرنظامیان را می‌کشتند. غیرنظامیان را می‌ریانید، با این هدف که بگویند: «ما می‌خواهیم اسرائیلی‌ها را وادار کنیم که درای خودشان را بچشند و ما آنها را به همان شکلی که ما را می‌ترسانند، بترسانیم، و ما به قلمرو آنها حمله خواهیم کرد، همانطور که آنها به قلمرو ما حمله کردند، و ما از خشونت و گروگان‌گیری برای آزادی زندانیان خود استفاده خواهیم کرد.»

البته ۷ اکتبر خاص درآمد چراکه موفقیت‌آمیزتر بود و پاسخ اسرائیلی‌ها استفاده گسترده از زور، هدف قرار دادن غیرنظامیان، تخریب هر چیزی که سر راهشان باشد، چه تهدید باشد چه نباشد نیز چیز جدیدی نبود و نیست.

* احتمال اینکه تونی بلر، نخست وزیر اسبق بر این منطقه فرمانداری کند نیز پژواکی از گذشته است؟ سوال شما طعنه‌آمیز است به خصوص اینکه قیومیت یا سرپرستی عملاً توسط یک انگلیسی و بدون مشورت با جمعیت محلی فلسطینی رهبری شود. ایده‌هایی که این روزها مطرح می‌شوند.

می‌شوند از پاکسازی قومی از یک سو گرفته تا قیومیت از سوی دیگر همه اینها پژواک گذشته هستند و اگر این را درک نکنیم، هسته‌ی اصلی داستان را از دست می‌دهیم. * در بحبوحه مذاکرات صلح کمپ دیوید در سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ می‌شد تصور کرد که گرایش‌های راست گرایانه در سیاست‌های اسرائیل رخ دهد (مانند گسترش شهرک‌سازی‌ها در کرانه باختری) و باعث شود واقعیت‌های میدانی به طرز غیرقابل بازگشتی تغییر کنند؟

یکی از مضامین کتاب هم همین است که تحت پوشش روند صلح، که قرار بود دو طرف را به یک راحل دو دولتی نزدیک کند، همه چیز در عمل در جهت مخالف حرکت کرد و در روان راست جمهوری کلینتون گسترش شهرک‌سازی در کرانه باختری حتی در حالی که ما در مورد راحل دو دولتی صحبت می‌کردیم، تسریع شد.

در مورد تغییر گرایش به سمت راست افراطی {چه در مورد حماس و یا در مورد راست افراطی در اسرائیل} نیز به همین ترتیب باید به تکرار تاریخ بیندیشیم که قبلا نیز شاهد او بوده‌ایم. چراکه روندی که از آن حرف می‌زنیم قبل از به قدرت رسیدن اسموتریچ، وزیر دارایی و یا بن‌گوریر، وزیر امنیت داخلی، وجود داشته است.

مردم می‌گویند بی‌صبرانه منتظر روزی هستند که نتانیاهو برود و به روزهای خوب گذشته برگردند اما روزهای خوبی که آنها می‌گویند را ما دیده‌ایم و همانی است که منجر به روزهای بد در تاریخ شد.

به عقیده من به عنوان مثال محتمل‌ترین جایگزین برای نتانیاهو، [انتقالی] بنت خواهد بود که در واقع یکی از اسلاف او بوده است. آیا او ساخت شهرک‌ها را کند کرد؟ آیا او با اصل تشکیل کشور فلسطین موافقت کرد؟ خیر. بنابراین، الحاق کرانه باختری ممکن است به آن اندازه آشکار و سریع نباشد، اما وجود خواهد داشت و مردم آن را کمتر مورد توجه قرار می‌دهند.

* نقش آمریکا در این سرنوشت محتوم چیست؟ آمریکا باید نگاه بسیار دقیقی به خود داشته باشد. ایالات متحده به نام روند صلح با هدف راه حل دو کشوری، باعث تداوم و تشدید وضع موجود شد. از فلسطینی‌ها خواست تا روند را مختل نکنند، به دیوان بین المللی دادگستری مراجعه نکنند، نافرمانی مدنی نکنند، خواستار تحریم اسرائیل نشوند و کاری نکنند که روند صلح بهم بخورد چراکه هرگز به راه حل دو کشوری دست پیدا نخواهند کرد.

بر آوردن وزانه ۱۰میلیون لیتر تقاضا برای بنزین سوپر

برود، ما به جای اینکه دنبال اصلاح و تسهیل در امور بهره‌وری و بهبود اوضاع خودروسازی و حمل و نقل باشیم و باتوجه به اینکه قانون توسعه حمل و نقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت در کشور اجرا نشده باعث شده، متوسل به واردات فرآورده و بنزین یا ساخت پالایشگاه شده‌ایم.

دبیر کل اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی درباره واردات بنزین سوپر تصریح کرد: هیات دولت واردات بنزین سوپر را مصوب کرده و این اقدام مثبت و فرصت خوبی است که بنزین کیفیت بالا با قیمت تمام شده در اختیار مردم قرار گیرد.

وی تأکید کرد: در هر حال عرضه بنزین سوپر نیاز به ساز و کار خاص خود دارد، باید نظارت صورت گیرد که این فرآورده در کجا عرضه شود و با فرآورده

انتظار برای خرید اولین خودرو طولانی تر شد

خرید خودرو

از رؤیا تا واقعیت

صفحه ۹



محمدعلی وکیلی

سرمقاله



نسل Z: از تماشاگر تا بازیگر صحنه ایران!

در شرایطی که کارت‌های سیاست خارجی دیگر کارساز نیستند و دیپلماسی منطقه‌ای و جهانی به بن‌بست‌های مکرر رسیده، نگاه‌ها ناگزیر به درون معطوف شده‌اند. وقتی فشارهای خارجی نه تنها کاهش نمی‌یابند بلکه با پیچیدگی‌های تازه‌ای همراه می‌شوند، تنها راه باقی مانده برای ترمیم اعتماد عمومی و بازسازی سرمایه اجتماعی، تغییرات داخلی است و در این مسیر، نسل جدید نقشی کلیدی دارد. مشروط بر آنکه نخواهیم بازی شو راه بیندازیم. این نسل، برخلاف نسل‌های پیشین، نه با شعار بلکه با داده و تحلیل بزرگ شده است. فرزندان اینترنت‌اند؛ با جهان حرف می‌زنند، مقایسه می‌کنند، می‌پرسند و پاسخ می‌خواهند. آنها دیگر تماشاگر نیستند، بلکه بازیگرانی بالقوه‌اند که اگر ساختارها مجال دهند، می‌توانند صحنه را دگرگون کنند.

اما آیا ساختار سیاسی و اجتماعی و اداری ایران آماده پذیرش این نسل است؟ آیا می‌توان بدون بازنگری در سیاست‌های داخلی، بدون اصلاحات واقعی در حوزه‌های آموزش، اشتغال، آزادی‌های مدنی و مشارکت سیاسی، انتظار داشت که نسل جدید به میدان بیاید؟ پاسخ روشن است: خیر.

در شرایطی که سیاست خارجی دیگر نمی‌تواند گره‌های داخلی را باز کند، باید به ظرفیت‌های درونی کشور تکیه کرد. نسل جوان، با تمام تفاوت‌های ارزشی و فرهنگی اش، می‌تواند موتور محرک این نقش باشد- به شرط آنکه شنیده شود، دیده شود، جدی گرفته شود.

ادامه در صفحه ۶

خبر

وزیر امور خارجه آلمان:

پیشنهاد از سر گیری مذاکرات با ایران همچنان پابرجاست

وزیر امور خارجه آلمان در گفت‌وگویی با ادعای اینکه تروئیکای اروپا با توجه به موضع ایران در مذاکرات چهارمی جز بازگردانی تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران نداشت، گفت که کشورش همچنان از راهکار دیپلماتیک برای مسئله برنامه هسته‌ای ایران دفاع می‌کند و پیشنهاد ازسرگیری مذاکرات پابرجا است.

به گزارش ایسا، «یوهان وادهفول» وزیر امور خارجه آلمان در پی اجرای شدن «سازوکار ماشه» و بازگشت تحریم‌ها و قطعنامه‌های بین‌المللی علیه ایران، در گفت‌وگویی بیان کرد که همچنان بر یافتن یک راهکار از طریق مذاکرات برای محدود کردن برنامه هسته‌ای ایران پافشاری می‌کند.

تروئکا اروپایی(آلمان، فرانسه و انگلیس) پس از بی‌نتیجه ماندن مذاکرات ایران در پس از پایان جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی علیه ایران، در پایان ماه اوت درخواست فعالسازی سازوکار ماشه را به شورای امنیت سازمان ملل ارائه کرد. این سازوکار از ۲۸ سپتامبر اجرایی شد و به موجب آن تمامی تحریم‌ها و قطعنامه‌هایی که ذیل توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ لغو شده بودند، علیه ایران بازگردانده شدند. ایران اقدام تروئیکای اروپا را فاقد مبنای حقوقی و اخلاقی می‌داند.

با وجود این که مقامات ایران تأکید کرده‌اند به دنبال ساخت سلاح اتمی نیستند و به‌کارگیری تسلیحات اتمی جایی در دктین دفاعی ایران ندارد، وادهفول در گفت‌وگویی با روزنامه آلمانی مورگن‌پست بیان کرد: ایران هرگز نباید به سلاح اتمی دست پیدا کند. مورگن پست نوشت: با در نظر گرفتن اینکه ایران پس از بمباران تاسیسات اتمی آن توسط آمریکا و اسرائیل در ماه ژوئن قادر به تولید یک سلاح اتمی در کوتاه‌مدت نخواهد بود، وادهفول هشدار که «در نهایت، باید از این امر هراس داشت.» وزیر امور خارجه آلمان افزود: به همین دلیل ما از یک پیشبرد یک راهکار از طریق مذاکرات برای حل‌وفصل دائمی این مسئله دفاع می‌کنیم. وزیر امور خارجه آلمان مدعی شد تحریم‌های جدید تأثیر شدیدی بر اقتصاد ایران خواهد گذاشت. طبق ادعای او، تهران در مذاکرات مربوط به برنامه هسته‌ای اعتبار و شفافیت لازم را نداشت، بنابراین اعمال مجدد تحریم‌ها تنها گزینه موجود بود.

وزیر امور خارجه آلمان مدعی شد که ایران «تصمیم اشتباه مهمی» گرفته است که ضربه‌ای به ویژه بر مردم ایران است. او افزود: امید من این است که تهران اکنون مسیر جدیدی در پیش بگیرد. بنابراین، پیشنهاد ما برای ازسرگیری مذاکرات همچنان برقرار است. وادهفول با اشاره به مذاکرات با ایران پیش از فعال شدن سازوکار ماشه گفت: «منی‌خواستم خودم را ملامت کنم که همه چیز را برای جلوگیری از این مقررات تحریمی جدید سازمان ملل و یافتن یک راه حل از طریق مذاکرات امتحان نکردم.» ادعاهای وادهفول درباره موضع ایران در مذاکرات اروپا پس از متوقف شدن مذاکرات غیرمستقیم با آمریکا بر سر برنامه هسته‌ای ایران بر اثر تجاوزگری رژیم صهیونیستی در حالی مطرح می‌شود که «سید عباس عراقچی» وزیر امور خارجه ایران پیشتر در این باره گفته بود: ما پیشنهادهای مختلفی ارائه کردیم. این پیشنهادها متناسب با روند مذاکرات به‌روزرسانی می‌شد و همگی بر راه‌حلی عادلانه و منطقی استوار بودند. با این حال، متأسفانه همه این پیشنهادها از سوی طرف مقابل رد شد؛ هرچند برخی از آنها به نظر می‌رسید که از نگاه برخی کشورهای اروپایی مورد توجه قرار گرفته است، اما نتوانستند طرف آمریکایی را همراه کنند. طرف مقابل بنا را بر عدم پذیرش پیشنهادی سزائده ایران گذاشته بود. عراقچی با اشاره به اینکه «برای ما کاملاً مسجل بود و در این روند بیش از پیش مسجل شد که هدف اصلی، باج‌گیری و امتیازگیری از جمهوری اسلامی ایران است» گفت: آن‌ها توقع داشتند که جمهوری اسلامی ایران همه مواد هسته‌ای خود را کنار بگذارد یا تحویل دهد و در مقابل، تنها سه یا ۶ ماه تمدید تعلیق اسنپ‌بک (سازوکار ماشه) را دریافت کند. این اوج زیاده‌خواهی، غیرمنطقی‌ترین رفتار و حتی جسارت‌آمیزترین برخورد ممکن بود. ما با قوت در برابر همه این درخواست‌ها و فشارهایی که تا آخرین لحظه ادامه داشت ایستادیم. آن‌ها می‌خواستند با استفاده از این اهرم، ما را به پذیرش چنین خواسته‌های دلت‌پاری وادار کنند، اما طبیعتاً ما هرگز زیر بار این شرایط نرفتیم و نخواهیم رفت.

در مقابل، پیشنهادهای سازنده و واقع‌بینانه‌ای روی میز گذاشتیم، اما طرف مقابل بنا را بر عدم پذیرش آن‌ها گذاشت. وزیر امور خارجه ایران تأکید کرد: موضع سیاسی جمهوری اسلامی ایران نیز کاملاً روشن است که ما به دنبال یک توافق عادلانه و متوازن هستیم. در صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای خود هیچ تردیدی نداریم و برای اعتمادسازی در این خصوص نیز آمادگی داریم، اما این امر مشروط بر آن است که امتیازات متناسبی داده شود و در نهایت، حق ملت ایران برای غنی‌سازی مورد احترام قرار گیرد.